

نگرشی بر کثرت گرایی (پلورالیسم)

نوشته: نور آغا عظیمی

4 دسمبر 2015



دبیاجه:

انسان در ذات خود موجودی است که تکثر و کثرت گرایی را دوست دارد. انسان موجود اجتماعی است و اجتماعی زیستن به طور طبیعی در سرشتش کاشته و بافته شده است. کثرت گرایی به انسان می آموزد که به هموعان و هم قطاران خود احترام قائل باشد و در عرصه های زندگی دوشا دوش یکدیگر حرکت کنند. سرشت آدمی تنوع و گوناگونی پذیر است. گوناگونی دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، اخلاقی، اقتصادی و غیره یک نوع همدیگر پذیری و هم قبولی را به ارمغان می آورد. کثرت گرایی یکی از آموزه های فلسفی و دینی می باشد که دغدغه ها و سر و صداهایی را در جهان بوجود آورده است. یعنی عده ای آن را به عنوان خیر مطلق تلقی می کنند و عده دیگری آن را به عنوان شر مطلق تلقی می کنند.

مسئله کثرت گرایی از دیر باز مورد توجه بشر بوده است. حتی گفته می توانیم که از آوان گروه زیستی بشری به این پدیده اهمیتی باسزایی قایل بوده اند. یونان قدیم که مهد و خیزشگاه اندیشه های فلسفی و سیاسی دانسته می شود، در آن زمان به پدیده کثرت گرایی توجه داشته اند. دانشمندان و صاحب نظران، گفته اند که در یونان باستان امپیدوکلوس (Empedocles) اولین فیلسوفی است که به ترویج پلورالیسم پرداخته است. دانشواژه پلورالیسم یا کثرت گرایی را به کلیسا نسبت داده اند. گفته شده است که این دانشواژه را نخستین بار شخص طبیعت شناس به نام هرمان «توتسه» در سال (1841 م)، در کتاب خود تحت عنوان «ما بعد الطبیعه» وارد فلسفه ساخت.

به هر حال، کثرت گرایی را امروزه دانشمندان، دین مداران نواندیش، روشن اندیشان و روشن نگران به عنوان یک مسئله خیلی مهم و ارزنده در امر تأمین و گسترش روابط انسان ها تلقی کرده و می گویند که انسان ها به هر دین و آئینی که هستند بگذار که باشند، اما یکدیگر را بپذیرند و به آئین و اندیشه های یکدیگر احترام بگذارند و از تعصب و تخریب ادیان و مذاهب همدیگر، بپرهیزند. بدین اساس، کثرت گرایی از دید ایشان خیر مطلق پنداشته می شود.

کلید واژه ها: معنای واژه گانی پلورالیسم، معنای اصطلاحی پلورالیسم، تعریف پلورالیسم و انواع پلورالیسم.

1. معنای واژه گانی پلورالیسم:

در مورد دانشواژه پلورالیسم، واژه شناسان معانی گونه گونی ارائه کرده اند.

1. پلورالیسم در فرهنگ فارسی «معین»، چنین معنا شده است: (پ) [انگ .] (ا.) کثرت باوری، نظریه ای که به لزوم کثرت عناصر و عوامل در جامعه و مشروعیت منافع آن ها باور دارد.

2. در فرهنگ آکسفورد، پلورالیسم این گونه معنا شده است: یعنی کثرت، یعنی جمع در مقابل تفریق و کاهش و نام مکتب اصالت تکثر است.

3. واژه پلورالیسم (pluralism) از «پلورال (plural)» به معنای «تجمع» و «کثرت» می باشد و پلورالیسم یا کثرت گرایی که نقطه مقابل حصرگرایی است، به معنی پذیرش کثرت، تعدد پذیری و تکثرانگاری است و در برابر نفی کثرت که یا تأیید وحدت است و یا تأیید قلت قرار دارد. (فرهنگ حیم، ص 468).

4. آقای محمد رضا «باطنی» در (فرهنگ معاصر) خود مشتقات پلورالیسم را این گونه بیان می دارد:

- پلورالیسم (Pluralism) به معنای: تکثر، چندگانگی، آیین کثرت، کثرت گرایی، چندگرایی، تعدد مقام، تعدد شغل.

- پلورالیست (Pluralist) به معنای: کثرت گرا، کثرت گرایانه.

- پلورالیتی (Plurality) به معنای: تعدد، تکثر، کثرت، چندگانگی، کثرت نسبی. (محمد رضا باطنی، فرهنگ معاصر، ص 700).

با توجه به معنای ای که فرهنگیان و واژه شناسان برای پلورالیسم ارائه کرده اند، می توان گفت که پلورالیسم به معنای تکثرگرایی یا جمع گرایی، وحدت زدایی، انحصارزدایی، تک انگار زدایی، می باشد.

2. معنای اصطلاحی پلورالیسم:

1. آقای بهرام «علیزاده» در مقاله خود تحت عنوان «پلورالیسم دینی یعنی چه؟» در مورد معنای اصطلاحی پلورالیسم چنین می گوید: در اصطلاح، مراد از پلورالیسم، به طور کلی، هر نظریه ای است که در آن اصل و ریشه امور یا عدد چیزها یا نوع آنها بیش از یکی دانسته شود و پلورالیست کسی است که

کثرت یا چندگانگی را اصل قرار می دهد (در مقابل وحدت یا یگانگی) و از این رو، می توان او را «کثرت‌گرا» یا «چندگانه‌گرا» خواند.

2. پلورالیسم در اصطلاح به معنای گرایش به اصول متعدد و در مقابل «وحدت‌گرایی» است. برای مثال، اگر در تبیین پدیده‌ای، از اصول متعدد بهره‌جوییم، پلورالیست و اگر از یک اصل استفاده کنیم «مونئیست»، خواهیم بود. (محمد حسین، قدردان قراملکی، قرآن و پلورالیسم، تهران، اندیشه جوان، 1380، ص 188).

می توان چنین نتیجه‌گیری کرد، پلورالیسم در اصطلاح عبارت از میل به کثرت‌گرایی کردن در مقابل وحدت.

3. تعریف کثرت‌گرایی (پلورالیسم):

پلورالیسم یا کثرت‌گرایی عبارت از روند و شیوه‌ای است که انسان را از تک‌گرایی و تک‌اندیشی به تعدد‌گرایی، کثرت‌گرایی و همه‌پذیری وا می‌دارد. کثرت‌گرایی انسان را به فراخ‌اندیشی و فرا‌نگری اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، دینی و نژادی دعوت کرده و از وحدت‌اندیشی و وحدت‌گرایی نجات می‌دهد.

در زمینه‌ی تعریف کثرت‌گرایی نظریه‌پردازان، اندیشه‌های گونه‌گونی را ارائه کرده‌اند که جا دارد به یک تعداد آن‌ها بپردازیم.

1. پلورالیسم یا کثرت‌گرایی در فرهنگ آکسفورد چنین تعریف شده است: زندگی در جامعه‌ای که از گروه‌های نژادی مختلف تشکیل یافته و این گروه‌ها دارای زندگی سیاسی و دینی مختلف می‌باشند. یا: پذیرش این اصل که گروه‌های نژادی مختلف می‌توانند در یک جامعه به صورت صلح‌آمیز زندگی کنند.

2. در سایت (دانشنامه‌ی رشد)، در مقاله‌ای تحت عنوان «کثرت‌گرایی یا پلورالیسم»، کثرت‌گرایی چنین تعریف شده است: پلورالیسم به معنای آیین کثرت یا کثرت‌گرایی است که در حوزه‌های مختلف فلسفه دین، فلسفه‌هایی از اخلاق، حقوق و سیاست، کاربردهای متفاوتی دارد که حد مشترک همه آنها، به رسمیت شناختن کثرت در برابر وحدت است.

3. کثرت‌گرایی عبارت است از اولویت نظری چندگانگی بر یگانگی و گوناگونی بر همگونی. بدین ترتیب، هر زمینه‌ای از پژوهش‌های انسانی را که در نظر بگیریم، منطق مفهومی کثرت‌گرایی آنرا در مقابل «یگانگی‌نگاری» قرار می‌دهد. (مک‌لنن، 1384، ص 41).

با توجه به تعاریف بالا، می‌توان گفت که کثرت‌گرایی فرایندی است که ما را از انحصارگرایی بیرون رانده و به شمول‌گرایی به چیزی به نام «نقطه‌ی غایی» نزدیک می‌کند ولی از راه‌های گونه‌گون. در کثرت‌گرایی بحث بر سر این است که در جهان ادیان و مذاهب گونه‌گونی وجود دارند که هر کدام می‌

خواهند به حقیقت مطلق نائل آیند. برای رسیدن به این حقیقت مطلق راه های مختلف وجود دارد که هر کسی تلاش می کند که خود را از یک راه متفاوت از دیگران، به آن برساند. خلاصه، کثرت گرایی انسان ها و اندیشه های انسانی را باهم نزدیکتر و نزدیکتر ساخته و باعث ایجاد فضای متنوع و متشکل از اندیشه های مختلف می شود. اگر چه این اندیشه ها مختلف هستند، اما هدف همه آن ها رسیدن به سعادت است.

4. انواع کثرت گرایی (پلورالیسم):

همانگونه که دیگر مصطلحات و آموزه های فلسفی و دینی و اجتماعی و سیاسی دارای گونه ها و انواع مختلف هستند، کثرت گرایی نیز در ذات خود بخش های متنوعی را در بر می گیرد. کثرت گرایی در باب های گونه گونی چون: کثرت گرایی دینی، کثرت گرایی سیاسی، کثرت گرایی اجتماعی، کثرت گرایی فرهنگی، کثرت گرایی اقتصادی و ... سخن می گوید. باید گفت که هدف غایی و نهایی کثرت گرایی در همه اعراف متذکره، انسان را به حوزه همه شمول گرایی و همه پذیری دعوت می کند. حال، هر گونه را به طور جداگانه مورد بررسی قرار می دهیم.

1. کثرت گرایی دینی:

در کثرت گرایی دینی، اندیشه بر آن است که در جهان ادیان مختلف قرار دارند که هر کدام می خواهد به سعادت و کمال دنیوی برسد. مزاد بر آن، در حوزه کثرت گرایی دینی بحث بر سر این است که حقیقت غایی و هدف نهایی منحصر به هیچ دین و آئینی نیست، پس بهتر است که از مطلق گرایی دینی پرهیز کرده و همه ادیان به یکدیگر احترام قائل باشند و از آموزه ها و اندوخته های مثبت یکدیگر استفاده نمایند.

آقای مجتهد «شبستری» در زمینه کثرت گرایی دینی چنین می گوید: پلورالیسم به معنای امروزی آن، یعنی اصیل دانستن کثرت و اعتقاد به عدم امکان تحویل کثرت ها به وحدت است. پلورالیسم دینی، اجمالاً به معنای تأیید ادیان و مذاهب گوناگون و فتوا دادن به بهره مندی آنها از حقیقت است. در واقع پلورالیسم دینی پاسخی است که به سؤال از حقانیت ادیان داده می شود. (مجتهد شبستری، پلورالیسم دینی، ص 115).

همچنان آقای علی «ربانی گلپایگانی» می گوید: کثرت گرایی دینی نظریه ای است در مقابل انحصارگرایی و شمول گرایی، در باب حق بودن ادیان و برحق بودن دینداران، و برآن است که کثرتی که در عالم دین ورزی پدید آمده است، حادثه ای است طبیعی که از حق بودن ادیان و برحق بودن دینداران پرده بر می دارد و مقتضای دستگاه ادراکی آدمی و ساختار چند پهلوی واقعیت است و با هدایتگری خداوند و سعادت جویی و نیکبختی آدمیان سازگار است. (علی، ربانی گلپایگانی، تحلیل و نقد پلورالیسم، قم، انتشارات موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، 1374، ص 132).

به همین ترتیب، آقای علی «اسلامی» در این مورد می گوید: نزاع بر سر حقیقت و فهم حقیقت است. (اسلامی، پلورالیسم از منظر قرآن کریم، موسسه بوستان کتاب، 1388، ص 171).

متعاقباً، آقای مصطفی «ملکیان» می گوید: کثرت گرایان می گویند: یک حق نداریم بلکه حق های بسیاری داریم و این به دلیل چند ضلعی و چند لایه بودن واقعیت است. و همین پیچیدگی و تو در تو بودن واقعیت چنان غامض و حیرت افکن است، که زبان و ذهن را به تناقض می افکند، یا دست کم به گوناگونی و اختلاف می کشاند. از این روست که باورهای صدق و کذب پذیر متنوع و مختلفی پدید آمده است. «حقانیت» مبتنی بر دو رکن «صدق» و «معقولیت» است. یعنی اگر کسی گزاره ای را حق بداند به معنای آن است که اولاً آن گزاره را صادق می داند، ثانیاً، صدق آن را به کمک روش عینی کشف کرده است، یا می تواند از اعتقادش به صدق آن گزاره به نحو عینی دفاع کند، در نتیجه این اعتقاد، معقول یا موجه است. (مصطفی، ملکیان، کثرت گرایی نجات شناختی، تهران، انتشارات اقبال، 1380، ص 182-179).

نظریه گاندی در مورد کثرت گرایی دینی اینگونه است:

1- گاندی به رغم نام ها و نشان های متفاوت ادیان، به حقیقت بنیادین همه آنها باور دارد. به نظر وی همه دین ها از سوی خداوند برای مردم فرستاده شده اند و وجودشان برای مردم ضروری است. او می گوید: «من به حقیقت بنیادین همه ادیان بزرگ جهان، اعتقاد دارم. من باور دارم که تمام آنها از سوی خداوند ارسال شده، و من ایمان دارم که آنها برای مردمی که این دین ها برایشان ظهور کرده ضروری بوده است.» این حقیقت بنیادین از دوران جوانی یکی از دغدغه های اساسی گاندی بود و بر آن بود تا به نکات برجسته ای که در ادیان مختلف در می یابد عمل کند. او در یکی از سخنرانی های خود می گوید: «... و عمل کنم به بهتری نکاتی که در ادیان یافته ام. آن دینی که من به آن گرویده ام، نه تنها چنین رفتاری را جایز می شمارد؛ بلکه مرا ملزم می دارد که نکات نیکو را، از هر منبعی نشأت گرفته باشد برگزینم.»

2- برابر بودن ادیان؛ «ادیان مختلف برای من گل های زیبایی یک باغند، یا شاخه های یک درخت با عظمتند.» و «ادیان گوناگون همچون برگ های یک درخت اند. هیچ دو برگی شبیه یکدیگر نیستند، در عین حال هیچ دشمنی میان آنها یا میان شاخه هایی که این برگ ها بر آنها رویده اند وجود ندارد. چنین تعبیری نشانگر آن است که اولاً موجودیت و گوناگونی همه دین ها امری قابل پذیرش است. ثانیاً دین ها همه گل هستند، آن هم گل زیبا، نه خار و خاشاک و یا علف هرزه؛ و به این ترتیب همه اصالت دارند و حاوی ارزش های متعالی اند. ثالثاً از زمین یک باغ یا بر اندام یک درخت رویده اند. پس منشأی واحد دارند و از یک منبع تغذیه می شوند و سرانجام این که میان ادیان خصومتی نیست. به بیان دیگر، درگیری ها و مشکلات به نفس دین ها باز نمی گردد، بلکه از آن دین داران است.»

او همچنان در جای دیگری می گوید: «فکر می کنم که در دنیا جز یک دین وجود ندارد و تنها یک دین. همچنین معتقدم که آن درختی تنومند است که شاخه های بسیاری دارد... و همان گونه که شاخه ها شیره از منبع واحد می گیرند، همه ادیان نیز جوهر خود را از همان چشمه اخذ می کنند که سرچشمه است. اساس دین یکی است؛ زیرا خدا یکی است و خدا یک کل کامل است، نمی تواند شاخه های زیاد داشته باشد. بلکه تجزیه ناپذیر و وصف ناپذیر است، در نتیجه بی اغراق می توان گفت که خدا به اندازه انسانهای روی زمین دارای نام است، نامی که بر وی می نهیم چندان مهم نیست، او یکی است و ثانی ندارد.»

از نظریات بالا چنین برداشت می شود که هیچ دینی گفته نمی تواند که من برحق هستم و حق فقط بامن است. همچنان تنها یک حق نیست، بلکه حق ها هست. همچنان، گفته می توانیم که ادیان در ذات خود مشکلی ندارند، این پیروان آن ها هستند که باعث مشکل آفرینی در بین آن ها می شوند. به قول شاعری: اسلام ندارد در ذات عیبی + هر عیبی که است در مسلمانی ماست. (لاادری).

2. کثرت گرایی سیاسی:

در تفکر کثرت گرایی سیاسی بحث بر این است که قدرت تنها در دست یک فرد بوده نمی تواند، بل همه مردم حق دارند که مشارکت سیاسی داشته و به نحوی در قدرت سهیم باشند. در این بخش، احزاب، نهاد های مدنی، انجمن ها، اتحادیه های گروهی، سازمان های سیاسی و ... نقش اساسی را در تشکیل حکومت و سیاست بازی می کنند. اشتراک مردم در انتخاب نیز یکی دیگر از مسائل مهم در کثرت گرایی سیاسی است. مزاد بر آن، نماینده ها از طرف مردم انتخاب می شوند و در به کاراندازی دستگاه حکومت و نهاد های سیاسی، نقش ارزنده دارند.

بنا بر این، در این زمینه به گفته ها و اندیشه های نظریه پردازان توجه می کنیم.

طرفداران این عقیده می گویند: «این مجامع به همان قدر اهمیت دارند که دولت دارد و بعضی از مجامع از لحاظ وفاداری افراد و اعضایشان حتی از دولت هم مهم ترند (مانند کلیسا)، لذا باید این مؤسسات، خود، حکومت بر خود داشته باشند و دولت بین آنها صورت حکم یا روابط غایی را داشته باشند.

این جماعت بر سه فرقه تقسیم می شوند:

- 1- افراطیون که مؤسسات و مجامع دیگر را مافوق دولت می شمارند.
- 2- تقریطیون که مؤسسات و مجامع دیگر را مادون دولت می شمارند.
- 3- اعتدالیون که دولت را از حیث اهمیت با سایر مؤسسات و مجامع مساوی می دانند. (علی، ربانی گلپایگانی، همان، ص 76).

پلورالیسم سیاسی به این معنا است که اقتدار همگانی در میان گروههای متعدد و متنوع پخش شود، تا این گروه ها مکمل یکدیگر بوده دولت به حفظ توازن طبیعی میان آنها بسنده کند و حاکمیت مطلق در دست دولت یا هیچ فرد یا نهادی نباشد. پلورالیسم سیاسی را یکی از اصول بنیادی دموکراسی لیبرال می دانند، و این البته به گفته ماکس وبر، جامعه شناس معروف آلمانی، نمونه ای آرمانی جامعه پلورالیستی است که گویا تحقق نیافته است. در عرف جامعه شناسی، پلورالیسم عبارت است از جامعه ای که از گروههای نژادی مختلف یا گروههایی که دارای زندگی سیاسی و دینی مختلف می باشند، تشکیل یافته است. (کتاب نقد، شماره 4، ص 14).

دیوید رابرتسون می گوید: گاهی مقصود از نظام سیاسی پلورالیستی نظامی است که دارای چند مرکز قدرت قانونی است که در آن همه امور مردم در دست دولت نیست. (دیوید رابرتسون، فرهنگ سیاسی معاصر، ترجمه عزیزکیاوند، تهران، نشر البرز، 1371، ص 242).

برخی دیگر حکومت پلورالیستی را چنین تعریف کرده اند: حکومتی است که در امور سیاسی جامعه، مشارکت کلیه ارگان‌های موجود در یک کشور را امکان پذیر نماید. در چنین نظامی، قوانین اساسی باید به شکلی تنظیم گردد که حق سیاسی برای کلیه گروه‌ها، احزاب، سندیکاها، انجمن‌ها، تابعان کلیسا، و غیره محفوظ بماند. (فرهیخته، شمس الدین، فرهنگ فرهیخته (سیاسی- حقوقی)، تهران، نشر زرین، بی‌تا، ص 240).

گاهی پلورالیسم سیاسی به معنای اعتنای دولت به کثرت و استقلال گروه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی دانسته شده است که بر همزیستی مسالمت آمیز نهادها و تقدیم حقوق بعضی گروه‌ها بر دیگران تأکید می‌شود. بر این اساس، قدرت دولت نباید انحصاری باشد و همه نهادها باید در کنار نظارت کلی دولت، استقلال قدرت خود را حفظ کنند. (آشوری، داریوش، فرهنگ سیاسی، تهران، مروارید، بی‌تا، ص 59).

در یک جمع بندی و نتیجه گیری کلی می توان کثرت گرایی سیاسی را اشتراک همه گروه ها و نهاد های سیاسی در حکومت و قدرت دانست. همچنان، گفته می شود که کثرت گرایی سیاسی نظام و قدرت سیاسی را از حالت متمرکز بودن به غیر متمرکز سوق می دهد که باعث شکست دیکتاتوری و پایه های حکومت استبدادی و تک گرایی سیاسی می شود.

3. کثرت گرایی اجتماعی:

کثرت گرایی اجتماعی یکی از ابعاد مهم و اساسی در کثرت گرایی می باشد. در کثرت گرایی اجتماعی بحث بر سر این است که تمام نهاد های اجتماعی به نحوی در پیشبرد و رهبریت جامعه نقش دارند. اداره و مدیریت جامعه به دست نهاد های اجتماعی است و مسئله رهبریت تنها در دست یک فرد نیست، بلکه همه گان حق دارند که مشارکت اجتماعی داشته باشند.

آقای سید حسن حسینی یکی از عوامل شکل گیری کثرت گرایی اجتماعی را وحدت بیش از اندازه در تمرکز قدرت می داند. چنانچه می فرماید: وحدت گرایی بیش از اندازه که به تمرکز قدرت در دست یک شخص یا گروه خاص انجامیده است، استبداد دینی یا دولتی که نمونه بارز آن در قرون وسطی توسط کلیسا به نمایش گذاشته شد و اتفاقاً مهمترین عامل پیدایش گرایش‌های پلورالیستی در غرب شد. (ر.ک: پلورالیسم دینی یا پلورالیسم در دین، سید حسن حسینی، (تهران، سروش، 1382)، ص 24-23).

آقای همایون «نعمت‌اللهی» در مورد ویژه گی اصلی کثرت گرایی اجتماعی چنین نظر دارد: اعتقاد خود پلورالیست‌ها ویژگی اصلی چنین جوامعی آزادی‌های فردی و اجتماعی است. در حقیقت آزادی فردی و اجتماعی است که شرائط تحقق موارد مذکور در فوق را فراهم می آورد. بدون چنین آزادی‌هایی وجود احزاب و گروه های سیاسی جز به عنوان آرایه های بدلی برای جا انداختن و جود دموکراسی و توجیه

رفتارهای استبدادآمیز دولت‌مردان، نقش دیگری نمی‌توانند داشته باشند. (ک: بازتاب اندیشه، مهر 1381، شماره 31، مفهوم کثرت‌گرایی، همایون نعمت‌اللهی، به نقل از روزنامه حیات نو، ص 68).

با استنباط از گفته‌های اندیشوران فوق، گفته می‌توان گفت که کثرت‌گرایی اجتماعی عبارت از همه شمول‌سازی قدرت است یعنی انسان‌های امروزی دیگر از انسان‌های قرون وسطی نیستند که همه پدیده‌های اجتماعی و دینی و سیاسی در دست یک فرد یا نهاد دینی بدهند، بل می‌خواهند که همه انسان‌ها در قدرت و تنظیمات اجتماعی سهیم باشند.

4. کثرت‌گرایی فرهنگی:

کثرت‌گرایی فرهنگی در یک جامعه عبارت از بررسی فرهنگ‌های گروه‌های مختلف هست، حال اینکه این گروه‌ها از قدیم‌الایام در جامعه زندگی می‌کرده‌اند و یا از گوشه و کنار مختلف جهان در اثر مشکلات جنگی و تهدیدات بیگانه‌گان مهاجر شده و تازه متوطن شده‌اند. مهم این است که اقوام و گروه‌ها و نژاد‌های مختلف با افکار و آموزه‌های فرهنگی‌گونه‌گون در زیر چتر یک جامعه و اجتماع زندگی می‌کنند و برای بقای حیات خویش باید به فرهنگ‌های یکدیگر احترام قایل بوده و شیوه یکدیگرپذیری و تسامح و تساهل را در بین هم ترویج بدهند.

در مورد شکل‌گیری و پیدایش اندیشه کثرت‌گرایی فرهنگی در (دفتر پژوهش‌های فرهنگی تهران) چنین گفته شده است: بحث پلورالیسم یا کثرت‌گرایی فرهنگی با جنبش سیاه‌پوستان در سال (1960 م) در آمریکا و یا مواجه شدن انگلیسی‌ها با انبوه مهاجران و فرهنگ‌های مختلف به این کشور، مشکلات اقلیت‌های قومی در سطوح مختلف از جمله در مدارس و نظام‌های آموزشی، حساسیت بیشتری یافت. (سی دبلیو واتسن، کثرت‌گرایی فرهنگی، ترجمه حسن پویان، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، 1381، ص 9 و 11).

در شکل‌گیری و پیدایش کثرت‌گرایی فرهنگی عموماً معرفت‌شناسی، عقل‌گرایی، اومانیزم و راسیونالیسم نقش بارزی را بازی کرده‌اند. در این زمینه، آقای کاپلستون، یکی از فلاسفه جهان غرب، چنین نگاشته است: پلورالیسم فرهنگی از مبانی متعددی تاثیر می‌گیرد. پلورالیسم معرفتی، اومانیزم و عقل‌گرایی (به معنای خاص راسیونالیسم در فرهنگ غربی) هر یک به نحوی در پیدایش پلورالیسم فرهنگی سهم دارند. اما در این میان، پلورالیسم معرفتی بیشترین نقش را دارد. کثرت‌گرایی معرفتی بر آن است که جملات و گزاره‌های متفاوت هر یک بهره‌ای از حقیقت دارند. پلورالیسم معرفت‌شناختی منجر به نسبی‌گرایی معرفت‌شناختی است. پروتاگوراس از نخستین نسبی‌گرایان معتقد بود «انسان مقیاس همه چیز است، مقیاس هستی چیزهایی که هست و مقیاس نیستی چیزهایی که نیست.» (کاپلستون، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه سیدجلال‌الدین مجتبیوی، تهران، سروش، 1368، ص 106).

در یک کلام می‌توان گفت که، کثرت‌گرایی فرهنگی همان دیدگاه بی‌غرضانه و احترام به فرهنگ‌های همه گروه‌های است که در یک جامعه و اجتماع واحد زندگی می‌کنند.

چکیده:

کثرت گرایی (پلورالیسم) از باستان زمانه مورد توجه پژوهشگران و دانشمندان بوده است. پیدایی و خیزش اندیشه کثرت گرایی را به کلیسا های مسیحیت نسبت داده و گفته شده است که نخستین بار این مؤلفه توسط شخص طبیعت شناس و طبیعت دان به نام هرمان «توتسه» در سال (1841 م) در کتابش به نام «ما بعد الطبیعه» به کار رفت.

در کلیسا شخصی که دارای چندین منصب و شغل می بود به آن «پلورالیست» می گفتند. پلورالیسم از دید لغوی به معنای کثرت گرایی می باشد. در اصطلاح عبارت است از همه پذیری و تکثرگرایی در مقابل وحدت گرایی و تک گرایی.

در تعریف کثرت گرایی باید گفت که، کثرت گرایی عبارت از زندگی کردن در جوامعی ای که از اندیشه های گونه گون فرهنگی، دینی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و فلسفی تشکیل شده و با وجود تکثر اندیشه یی، همه گان در یک فضای صلح آمیز و بدور از تعصب و تبعیض زندگی می کنند.

کثرت گرایی به شاخه های مختلف تقسیم می شود. کثرت گرایی دینی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و غیره را می توان از گونه ها و انواع کثرت گرایی بر شمرد. در کثرت گرایی دینی باید گفت که در جهان ادیان و مذاهب مختلف وجود دارد که هدف غایی و نهایی هر کدامشان رسیدن به سعادت اخروی و زندگی بعد از مرگ است. بنابراین، همه ادیان باید به یکدیگر احترام قایل باشند و در یک جامعه واحد بدور از تخریب و طرد یکدیگر زندگی کنند. به همین ترتیب، در کثرت گرایی سیاسی بحث بر سر این است که حکومت و قدرت مربوط و منوط به یک فرد یا گروه خاص نیست، بل همه نهاد های سیاسی در آن دخیل هستند. همچنان، در کثرت گرایی فرهنگی باید گفت که انسان ها همانطوریکه از نگاه نژاد و ملیت و قومیت متکثر هستند، از لحاظ بینش و آرایه های فرهنگی نیز متکثر هستند. زمانی که در یک جامعه قرار می گیرند و باهم زیست می کنند، باید یکدیگر پذیری فرهنگی و احترام فرهنگی را رعایت کنند. خلاصه باید گفت که، کثرت گرایی انسان ها را در تمام اعراض زندگی باهم نزدیک کرده و در صورت قبول کردن این اندیشه، می توان در یک جامعه کثیر الملیتی و کثیر فرهنگی، ثبات و آرامش را بر قرار کرد که این کار خود باعث رشد و انکشاف همه گانی شده و انسان ها را به یک جامعه ایده آل و روشن اندیش سوق می دهد.

نور آغا «عظیمی»